

شناسایی عوامل موثر بر حاکمیت مطلوب مالیاتی در ایران

ابراهیم میرزائی

گروه حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
ebrahim.mirzaie@gmail.com

غلامرضا فرساد امان الهی

گروه حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
g.f1966@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۸/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۹/۱۰

چکیده

حاکمیت مالیاتی بخش اساسی حکمرانی دولت ها محسوب می شود. حکمرانی مطلوب مالیاتی منجر به سیستم مالیات ستانی مطلوب می گردد. راهبری مناسب مالیاتی، از طریق برقراری عدالت و انصاف مالیاتی، منجر به افزایش اعتماد می گردد که می تواند با دریافت به موقع مالیات، موجبات توسعه اقتصادی را فراهم آورد. هدف پژوهش حاضر شناسایی عوامل موثر بر حاکمیت مطلوب مالیاتی در ایران است. به منظور جمع آوری داده های پژوهش از ابزار پرسش نامه استفاده گردید. سپس برای اندازه گیری گویه های پژوهش تعداد ۳۷ پرسش نامه از خبرگان دریافت شد. به منظور بررسی دیدگاه پاسخ دهندگان در مورد سوالات پژوهش، از آزمون مقایسه میانگین و به منظور رتبه بندی شاخص های مؤثر بر حاکمیت مالیاتی مطلوب از آزمون فریدمن استفاده شده است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده های پژوهش نشان داد که شفافیت، پاسخگویی، ثبات سیاسی، کارایی و اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون، کنترل فساد، مشارکت پذیری، عدالت و بی طرفی، رفتار اخلاقی و حرفه ای، تشخیص ریسک های مالیاتی، کاهش شکاف مالیاتی، کاهش فرار مالیاتی، مسئولیت پذیری، اجماع محوری، جامعیت، استقلال، مشروعیت، ارتقای کارایی، رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی و انسانی بر حاکمیت مالیاتی اثرگذار هستند.

واژه های کلیدی: حکمرانی مطلوب مالیاتی، حاکمیت مالیاتی، راهبری مناسب مالیاتی.

۱- مقدمه

شهروندان است. چارچوب مفروضات بنیادین حاکمیت مالیاتی شامل شفاف سازی، پاسخگویی، عدالت و انصاف مالیاتی بوده که امروزه به یک تئوری علمی تبدیل شده است. مختصات این نظام در دادرسی مستقلانه و بی طرفی مالیاتی استوار است که همه مودیان را یکسان فرض کند. (دوانی، ۱۳۹۸). شناسایی عوامل موثر بر حکمرانی مالیاتی مناسب می تواند ضمن ایجاد عدالت و شفافیت مالیاتی، شیوه خرج کرد درآمد های مالیاتی را برای مردم روشن نماید. در نتیجه ضمن تشویق مودیان مالیاتی به پرداخت مالیات موجبات رشد اقتصادی و توسعه پایدار را فراهم کند. همچنین آنچه باعث می گردد بر اهمیت و ضرورت پژوهش در این حوزه بیفزاید، جدید بودن موضوع، متفاوت بودن محیط قانونی، اقتصادی و سیاسی ایران با سایر کشورها و عدم شواهد تجربی و دانش کافی است که مقاله حاضر می تواند به ادبیات موجود در این زمینه کمک نماید و در راستای شناسایی عوامل کلیدی حکمرانی مالیاتی مقدمات پیاده سازی آن را در اختیار سازمان های ذیربط، نظیر سازمان امور مالیاتی قرار دهد. به طور کلی محقق در این پژوهش به دنبال شناسایی مولفه های موثر حاکمیت مطلوب مالیاتی در ایران است. بنابراین با مطالعه پیشینه پژوهش و با استناد به مولفه هایی که دانشمندان و سازمان های بین المللی برای تعریف شاخص های حکمرانی مطلوب مالیاتی ارائه نمودند، و با کمک خبرگان مالیاتی (رییس گروه مالیاتی، رییس امور مالیاتی، معاون اداره و مدیرکل اداره امور مالیاتی) شاخص های موثر حاکمیت مالیاتی در ایران را شناسایی و در قالب پرسش نامه ای مدون که پایایی و روایی آن مورد تأیید قرار گرفته، تأثیر هر یک از عوامل مؤثر بر حاکمیت مطلوب مالیاتی پرداخته شده و مقایسه و اولویت بندی عوامل مؤثر بر حاکمیت مطلوب مالیاتی تشریح شده است.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در ارتباط با مقوله مالیات، وجود انگیزه پرداخت، اهمیت بسزایی دارد و زمانی تمایل به پرداخت مالیات توسط افراد افزایش می یابد که اعتماد به دولت بیشتر شده و بدانند که مالیات پرداخت شده به دولت، به بهترین صورت برای ارتقای سطح خدمات اساسی و سرمایه گذاری عمومی صرف می شود. در این راستا، حکمرانی خوب به عنوان یک عامل نهادی موثر بر اعتماد افراد به دولت، می تواند بر روی کسب درآمدهای مالیاتی اثر گذار باشد.

تحقق الگوی حکمرانی مطلوب می تواند تأثیر بسزایی بر نوع نظام حکومتی و تقویت و بهبود نظام مردم سالار به عنوان یکی از راهکارهای مورد تأیید اسناد و نهادهای بین المللی در جهت تضمین و احترام به حقوق بشر در یک کشور داشته باشد. در این

سیستم حکمرانی، چارچوبی است که فرآیند متکی بر آن است. بدین معنی که مجموعه ای از توافقات، رویه ها، قراردادهای و سیاستها مشخص می کنند که قدرت در دست چه کسی باشد، تصمیمات چگونه اتخاذ گردند و وظایف چگونه انجام و ادا می شود (حشمت زاده، حاجی یوسفی و طالبی ۱۳۹۶). از دیگر تعاریف حکمرانی خوب، دیدگاه انستیتو حکمرانی اوتاوا است که حکمرانی را ترکیبی از سنت ها، قواعد و آداب و رسوم شامل نهادها و فرآیندهایی می داند که تعیین می کند چگونه قدرت باید اعمال شود، چگونه شهروندان حق مشارکت و اعتراض دارند و چگونه تصمیمات در زمینه مباحث عمومی اتخاذ می گردد (دباغ و نفری، ۱۳۸۸). مالیات ستانی اساس برقراری حکمرانی خوب مبتنی بر رعایت حقوق شهروندی است، زیرا هر مودی مالیاتی فارغ از دین، نژاد، زبان، ملیت، عقیده، طبقه اجتماعی و اصل و نسب، یک شهروند به شمار می رود. شرط لازم و کافی استقرار نظام مالیات ستانی عادلانه و منصفانه، لغو معافیت های بی منطق، برقراری تکنولوژی مالیاتی و کاستن از هزینه های جاری و زاید دولت و پاسخگو شدن دولت در برابر مالیات دهندگان است، زیرا در همه جای دنیا ارتباط تنگاتنگی بین نظام مالیاتی و دموکراسی وجود دارد و اگر مردم به دولت برای اداره آن مالیات می دهند، باید خود نیز بتوانند دولت را اداره کنند، این اداره با نقش پر رنگ تر بخش خصوصی در اقتصاد امکان پذیر می شود. مالیات هدف نیست، بلکه وسیله و ابزار توسعه اقتصادی و تأمین کننده هزینه های دولت است. با این تعریف به نظر می رسد، اولاً دولت باید با برقراری نظام کارآمد، دستگاه دیوان سالاری خود را کوچک کند تا متعاقب آن هزینه های جاری دولت نیز کاهش یابد. زیرا قرار نیست شهروندان هزینه ناکارآمدی دیوان سالاری دولتی را تأمین و پرداخت کنند. اخذ مالیات به هر طریق ممکن، پایه در تفکر مالیاتی منبعث از نظام های توالیتر دارد که مغایر با ویژگی یک نظام مالیاتی خوب و کارآمد، یعنی عدالت مالیاتی می باشد و همین تفکر غلط، اجازه تعرض به حقوق مالیاتی شهروندان را به دولت می دهد. عدالت که در نظام مالیاتی عدالت افقی یا اخذ یکسان مالیات از درآمدهای یکسان نامیده می شود، باید توأمان با توسل به مالیات ستانی عدالت عمودی یا اخذ مالیات بیشتر از دارندگان درآمد بالاتر که موسوم است همراه باشد. (دوانی، ۱۳۹۶). نظام حاکمیت مالیاتی بدون پاسخگویی و شفاف سازی نمی تواند شهروندان را مجبور به پرداخت مالیات کند. زیرا دیر یا زود، مالیات دهندگان آنان را بازخواست خواهند کرد. بررسی نظام های حکمرانی مالیاتی، متضمن حکمرانی خوب، نشان می دهد، نخستین درجه مطلوبیت یک نظام مالیاتی، حقوق مودیان یا مالیات دهندگان یا

مالیات دولت را قادر می‌سازد که بر جریان‌ها و مسائل اقتصادی کشور و افزایش درآمدها و ثروت‌ها نظارت و کنترل داشته و از رکود، فساد و کساد اقتصادی جلوگیری می‌کند (گریبناو، ۲۰۱۸). کاهش فساد یکی از ویژگی‌های برجسته تحقق حکمرانی مطلوب است، چرا که الگوی حکمرانی مطلوب با مولفه‌هایی نظیر پاسخگویی، شفافیت و حق اظهارنظر سبب شکل‌گیری دولتی کارآمد و شفاف خواهد شد. حاکمیت مطلوب مالیاتی از بعد شفافیت اقتصادی یعنی اطلاع‌رسانی حقیقی و همه‌جانبه و روشن بودن ساز و کارهای حاکم بر روابط اقتصادی و چگونگی تولید و توزیع ثروت با استفاده از راهبردها است. ایجاد اصلاحات نهادی در سیستم‌ها، روش‌ها، فرآیندها، قوانین و تشکیلات جهت توسعه کیفی مدیریت و نیروی انسانی دولت بر اساس استانداردهای جهانی و تسهیل در امر اطلاع‌رسانی و مبارزه با فساد اداری شفافیت‌آداری و مدیریتی را بدنبال دارد.

پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری از جمله مهم‌ترین مولفه‌هایی است که ایجاد حکمرانی مطلوب می‌تواند با تقویت و بهبود آنها، بر میزان رعایت و تضمین حقوق اساسی افراد بیافزاید. پاسخگویی‌های حقوقی، سیاسی و مالی ارکان اصلی پاسخگویی را شامل می‌شوند. لازم به ذکر است که پاسخگویی بدون وجود شفافیت و حاکمیت قانون قابل اجرا نیست. یکی دیگر از آثار تحقق حکمرانی مطلوب در یک کشور، افزایش مشارکت افراد در اداره امور است. منظور از مشارکت جویی، مشارکت در فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که می‌تواند از یک سو، دایره انتخاب شهروندان را در حوزه‌های فوق‌الذکر گسترش دهد و از سوی دیگر حاکمان و مسئولان را در معرض انتخاب شهروندان قرار دهد. در حکمرانی خوب، همه افراد باید از فرصت‌های برابر برخوردار باشند. عدالت و انصاف یعنی امکانات در جامعه بر اساس انصاف و شایستگی توزیع شود و دولت باید به توانمندسازی اقشار ضعیف در جامعه بپردازد و حمایت‌های لازم از اقشار ضعیف صورت گیرد (حشمت‌زاده، حاجی‌یوسفی و طالبی، ۱۳۹۶). در اجرای عدالت مالیاتی سه دیدگاه وجود دارد که شامل نظریه قدرت پرداخت، نظریه نفع حاصله از خدمات و نظریه عدالت مالیاتی در راستای عدالت اجتماعی است (الهیاری و پورزمانی، ۱۳۹۷). قوانین و مقررات مطلوب و کارآمد یکی از مهم‌ترین نهادهایی است که می‌تواند بر عملکرد اقتصادی جوامع تاثیر بگذارد، شفاف‌سازی، برابر سازی فرصت‌ها و بهنگام‌سازی نظام حقوق مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار در کیفیت قوانین و مقررات می‌باشد (شهرآرا، معینی فردو مهربانی، ۱۳۹۷).

فراهم نمودن زمینه ظهور نظرات متفاوت در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، از جمله اصول حکمرانی خوب می‌باشد. حکمران خوب، باید نظرات مختلف را در قالب

راستا می‌توان تاثیر حکمرانی مطلوب بر تقویت دموکراسی و بالطبع مشارکت جویی افراد در اداره یک کشور را بر اساس شاخصه‌های فرآیندی و رویه‌ای، ماهوی و ارزشی و نیز تشکیلاتی و سازمانی مورد بررسی قرار داد. برقراری حکمرانی مطلوب در یک کشور می‌تواند باعث اتخاذ تصمیم‌ها، سیاستها، قوانین و برنامه‌های حکومتی بر اساس فرآیندی تکثرگرا و مشارکتی شود. طی سالیان متمادی آزمون و خطا درباره شیوه‌های حکمرانی، اغلب پارادایم‌های حکمرانی منجر به ناپایداری شده‌اند؛ از جمله رشد محوری، دولت رفاه، دولت‌های سوسیالیستی، دولت‌مدیریتی، دولت کوچک، دولت پیمانکار، دولت قدرتمند، دولت نظارت‌کننده و غیره. تقریباً همگی این الگوها نظام‌هایی بودند که از جانب نهادهای بین‌المللی برای کشورهای در حال توسعه تجویز می‌شدند، ولی در عمل اغلب به دلیل فراهم نبودن شرایط زمینه‌ای و عدم نگاه جامعه به محیط محکوم به شکست یا منجر به ناپایداری شده‌اند. چالش‌های ناشی از این پارادایم‌ها منجر به ظهور پارادایم‌های جایگزین با محوریت پایداری شد. بنابراین حکمرانی پایدار مورد توجه قرار گرفت. همراه شدن حکمرانی با توسعه پایدار و پایداری بر این واقعیت صحنه می‌گذارد که فعالیت‌های هر دو بخش دولتی و خصوصی نیازمند بازنگری و اصلاح است. این مفهوم به اندازه توسعه پایدار تکامل نیافته است و توسعه پایدار نیز با وجود ابهاماتی که دارد اکنون به عنوان یک هنجار پذیرفته شده در خط مشی‌گذاری‌ها مورد توجه است. (عیوضی، مرزبان-صالحی، ۱۳۹۶).

حکمرانی مطلوب باعث شکل‌گیری نظام دموکراتیک و مردمی بر مبنای تحقق اهداف و ارزش‌هایی است که ماهیت و سرشتی جمعی و مشترک دارند و تحقق اراده مشترک مردم آرمان عالی نظام سیاسی و ساختارها و تشکیلات سیاسی و اجرایی آن محسوب می‌شود. حکمرانی پایدار به معنی ایجاد تناسب بین سه بخش اجتماعی یعنی بخش‌های دولتی، خصوصی و نهادهای مدنی است. استفاده از پارادایم پایداری به عنوان مغزافزار و استفاده از مبانی حکمرانی خوب به عنوان نرم‌افزار و رویکرد اجرا می‌تواند کارساز باشد. (نقیبی مفرد، ۱۳۹۶). حاکمان و سیاستمداران به عنوان حافظان و خادمان قانون شناخته می‌شوند و خود نیز مشمول آن می‌گردند. میزان مشروعیت حکومتشان به میزان وفاداری آنان به معیارهای قانونی، فراشخصی و خردمندانه بستگی دارد. بر این اساس می‌توان پیامدهای برقراری حاکمیت قانون، به عنوان یکی از مولفه‌های حکمرانی مطلوب را در سه حوزه حقوقی، سیاسی و اقتصادی مورد بررسی قرار داد. یکی از مهمترین اهداف وصول مالیات، هدف توزیع و تعدیل ثروت و عدالت اقتصادی است.

ارتباط مورد نیاز باشد. در این مورد پیش زمینه مشارکتی بودن و حضور همه ذی نفعان در شکل گیری یک سیستم مالیاتی حاصل خواهد شد.

- حاکمیت مالیاتی خوب مستلزم آن است که تمام ذی نفعانی که می توانند در شکل گیری سیستم مالیاتی مشارکت داشته باشند، برای انجام این کار دعوت بعمل آید.

- یک سیستم مالیاتی بایستی پاسخگوی الزامات وضع شده توسط حاکمیت قانون، هم به صورت رسمی و هم بصورت ماهوی باشد. این به معنی آن است که سیستم مالیاتی بایستی پاسخگوی تمامی نیازهای سازمانی (قوانینی که توسط موسسات ذی صلاح وضع شده اند، دسترسی به دادگاه های مستقل، نیازهای رویه ای (نمایندگی منصفانه، موعد مقرر یا سررسید یا حق تجدیدنظر) و الزامات مربوط به محتوای قانون (کلیت، قطعیت، تناسب و توازن و رفتار برابر) باشد.

- ویژگی اثربخشی و کارآمدی مستلزم این است که سیستم مالیاتی از منابع در اختیارش به بهترین نحو استفاده کند. این امر شاید در تکامل و توسعه استراتژی های مدیریت ریسک و اجرای مدیریت ریسک انطباقی در نظر گرفته شود.

- سیستم مالیاتی بایستی نسبت به موسسات پاسخگو و با مسئولیت باشد.

- سیستم مالیاتی بایستی شفاف باشد. در حال حاضر شفافیت اغلب در ارتباط با فشار روز افزون بر شفافیت اطلاعات مالیات دهندگان در نظر گرفته شود. در چارچوب حاکمیت مالیات مطلوب، نه تنها شفافیت مالیات دهندگان، بلکه اول از همه شفافیت ارگان های مالیاتی و عملیات آنها لازم است.

- سیستم مالیاتی بایستی پاسخگو باشد که این نشان دهنده این است که ارگانه های مالیاتی بایستی قادر به اصلاح عملیات و تصمیمات خود برای یک مالیات دهنده باشند.

- درآمد سیستم مالیاتی بر اساس انصاف و فراگیر باشد تا شکل گیری حاکمیت مالیاتی بر اساس عناصر ماهوی حاکمیت قانون از طریق دعوا همه ذی نفعان برای شکل گیری سیستم مالیاتی مورد حمایت قرار گیرد (آلیسجا مجدانسکا، ۲۰۱۷).

هانس گریبنائو و اوه گیدی جلائی (۲۰۱۹) به موضوع حاکمیت مالیاتی پایدار و شفافیت پرداخته اند. در این تحقیق به این نکته اشاره شد که شرکت های چند ملیتی بایستی مسئولیت های

وفاق عمومی به سمتی رهنمون گرداند که بیشترین همگرایی را با اهداف جامعه داشته باشد. مفهوم کارایی در زمینه حکمرانی شامل استفاده پایدار از منابع طبیعی و حفاظت از هم می شود منظور از اثربخشی دولت نیز، توانایی آن در تدوین و اجرای سیاست های صحیح و لازمه آن برخورداری از یک دستگاه اداری کارآمد است. (حشمت زاده، حاجی یوسفی و طالبی، ۱۳۹۶). در صورت نبود شاخص ثبات سیاسی، انگیزه کمی وجود خواهد داشت که تولید اقتصادی رونق یابد، زیرا همواره بیم آن می رود که مورد تعرض قرار گیرد. بدیهی است درگیری های جناحی، نزاع های داخلی، ترور، کودتا و پدیده های مانند آن با از بین بردن ثبات سیاسی موجب افزایش ریسک و بی اطمینانی در فضای اقتصادی یک کشور می گردد و از این رهگذر موجب کاهش سرمایه گذاری داخلی و خارجی و به تبع آن کاهش تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه شده و مانع رشد اقتصادی می شود (محمودی، آرش پور، ۱۳۹۶). اعتمادی که در راستای ارتقای کیفیت حکمرانی در افراد جامعه پدیدار میشود موجب وصول به موقع درآمدهای مالیاتی دولت می گردد و این امر به تقویت ساختار اقتصادی منجر خواهد شد (کریستینا و پانایا، ۲۰۱۸).

حکمرانی خوب که برای ایجاد توسعه پایدار طراحی و ارائه شده است، در عمل به عنوان روشی برای دستیابی به جامعه پایدار با مشکلاتی مواجه است. بنابراین نمی توان به صراحت گفت که حکمرانی خوب موجب توسعه پایدار می شود، زیرا با وجود اینکه حکمرانی خوب در سطح گسترده ای به بحث گذاشته شده است، ولی به دلیل نبود انعطاف پذیری کافی در سیاست های خود برای تحقق توسعه پایدار، تغییر در منش دولت ها و جوامع ایجاد نکرده است. آنچه موجب شکست برنامه های توسعه ای در کشورهای در حال توسعه شده است، اجرای بد این استراتژی بوده است. استراتژی حکمرانی خوب در مبانی نظری و در حوزه عمل مشکلی نداشته است. زوری که تجربه بسیاری از کشورهایی که حکمرانی خوب را اجرا کرده اند، گواهی این ادعا است (عیوضی، صالحی-مرزبان، ۱۳۹۶).

کلیه جنبه های اداره و ایجاد یک سیستم مالیاتی، بایستی معیارهای حاکمیت خوب را رعایت کند. این امر بدین معنی می باشد:

- حاکمیت مالیاتی مطلوب باید با محوریت توافق و اجماع و خرد جمعی باشد که می تواند به عنوان یک الزام برای سیستم مالیاتی شناخته شود. حاکمیت مالیاتی باید در همکاری و تعامل با طیف وسیع تری از جامعه که توسط جامعه مدنی و اتحادیه های تجاری و مانند آنها، در نظر گرفته شود. در چارچوب اجرای سیستم مالیاتی، شاید قابلین پذیرش مالیات دهندگان و فراهم کردن فرصت

۴- روش شناسایی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت از نوع پیمایشی است. به منظور جمع آوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. پرسشنامه مربوطه از دو بخش سوال‌های جمعیت‌شناختی و سوال‌های تخصصی تشکیل شده است. سوال‌های تخصصی پرسشنامه توسط پژوهشگران بر مبنای بررسی پیشینه و پژوهش‌های مراجع حرفه‌ای تدوین شده است. جهت ارزیابی منطقی بودن، مناسب بودن و جامع بودن، قضاوت هر یک از خبرگان در مورد معیارهای مورد نظر اخذ شد و برحسب نظر آنها مواردی جذف یا اضافه گردید. پرسشهای این پرسشنامه در قالب پرسشهای مربوط به شناسایی عوامل مؤثر بر حاکمیت مالیاتی مطلوب شامل ۲۰ سوال طراحی شده است. مقیاس پاسخگویی طیف پنج درجه‌ای لیکرت (خیلی کم=۱ تا خیلی زیاد=۹) است. قلمرو زمانی پژوهش سال ۱۳۹۹ است. جامعه آماری پژوهش، را خبرگان مالیاتی (رییس گروه مالیاتی، رییس امور مالیاتی، معاون اداره و مدیرکل اداره امور مالیاتی) تشکیل داده است که از حدود ۵۰ پرسشنامه توزیع شده، تعداد ۳۷ پرسشنامه به طور کامل تکمیل و جمع آوری گردید؛ برای اطمینان از روایی ابزار، پرسشنامه اولیه پس از تدوین در اختیار تعدادی از متخصصان و صاحب‌نظران قرار گرفت و براساس پیشنهادها آنها پرسشنامه مربوطه بازنگری و تغییرات لازم انجام و پرسشنامه نهایی گردید. همچنین به منظور ارزیابی پایایی پژوهش حاضر از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید. برای پایایی، حداقل مقدار ۰/۷ لازم است که ضریب مذکور برای پژوهش حاضر ۰/۹۳۹ بوده است؛ بنابراین پایایی ابزار نیز تایید گردید. همچنین به منظور بررسی دیدگاه پاسخ‌دهندگان در مورد سوالات پژوهش از آزمون مقایسه میانگین و به منظور رتبه بندی شاخص‌های مؤثر بر حاکمیت مالیاتی مطلوب از آزمون فریدمن استفاده شده است.

۵- یافته‌های پژوهش

۵-۱- بررسی پایایی

در این مطالعه، برای بررسی قابلیت اعتماد ابزار سنجش (طیف-های) مورد استفاده، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است، که نتایج آن به قرار زیر است:

جدول (۱): ضرایب پایایی مفاهیم تحقیق

متغیر	ضریب آلفای کرونباخ
حاکمیت مالیاتی	۰.۹۳۹

اخلاقی خود را نسبت به جامعه بپذیرند و از مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به عنوان شاخص پایداری استفاده شد. نهایتاً، افزایش تقاضای اجتماعی برای پاسخگویی شرکت‌ها نیاز به شفافیت بیشتری در رابطه با رفتار مالیاتی شرکت‌ها دارد.

لیان اوتس و پنلوپه تاکت (۲۰۱۹) در تحقیقی تحت عنوان اجتناب مالیاتی، آیا شفافیت راه حل است؟ در مورد شفافیت توضیح داده و بیان داشتند این خطر وجود دارد که افشای بیشتر، بطور مؤثر نمی‌تواند نگرانی‌های مربوط به اجتناب مالیاتی را برطرف کند.

هاربی و همکاران (۲۰۱۹) در تحقیقی با عنوان "سیاست مالیاتی مطلوب چارچوبی برای ارزیابی مالیات" به ارائه چارچوبی از اصول مالیاتی مناسب برای تحلیل قوانین مالیاتی و سیستم‌های مالیاتی مؤثر مبتنی بر سیاست‌های مالیاتی خوب ارائه کرده است. این تحقیق چارچوبی مطلوب جهت ارزیابی حاکمیت مطلوب مالیاتی شامل نقش‌ها و مسئولیت‌های مدیران شرکت‌ها، ریسک‌های مالیاتی، برنامه‌های حسابرسی، معاملات عمده می‌باشد.

الهیاری و پوزمانی (۱۳۹۷) به بررسی اثربخشی حاکمیت شرکتی بر رابطه مسئولیت اجتماعی با عدالت مالیاتی پرداختند و با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری مشخص شد تمامی متغیرهای حاکمیت شرکتی اثر مثبت و معناداری را بر این رابطه می‌گذارد.

گرمسیری و همکاران (۱۳۹۶)، به بررسی اثر کیفیت گزارشگری مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد عواملی همچون کیفیت گزارشگری مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها دارای ارتباط مستقیم با شهرت اجتماعی شرکت می‌باشد.

حساس یگانه و همکاران (۱۳۹۶)، در تحقیقی با عنوان "مدلی برای تاثیر مسئولیت اجتماعی و هزینه‌های مدیریت مالیات شرکت بر اجتناب و فرار مالیاتی" و با بررسی نمونه آماری متشکل از ۱۶۴ شرکت پذیرفته شده در بورس به این نتیجه رسیدند که ارتباط معناداری بین مسئولیت اجتماعی و هزینه‌های مدیریت مالیات شرکت با اجتناب و فرار مالیاتی می‌باشد.

۳- سوال‌های پژوهش

سوال اول: عوامل مؤثر بر حاکمیت مالیاتی مطلوب کدامند؟

سوال دوم: چه عواملی بیشترین اثر و چه عواملی کمترین اثر را بر حاکمیت مالیاتی مطلوب دارند؟

۵-۲- یافته‌های توصیفی

در بخش یافته‌های توصیفی به ارائه جدول توزیع نسبی عوامل مؤثر بر حاکمیت مطلوب مالیاتی پرداخته شده است که نتایج حاصل از آن به شرح جدول زیر می‌باشد:

همانطور که در جدول فوق مشخص است، میزان ضریب آلفای کرونباخ بدست آمده برای همه مفاهیم تحقیق، بزرگتر از ۰.۷۰ می‌باشند و این موضوع نشان دهنده همبستگی درونی مناسب بین متغیرها، برای سنجش مفاهیم مورد نظر است و بدین ترتیب می‌توان گفت که ابزار سنجش پژوهش حاضر، از قابلیت اعتماد و یا پایایی لازم برخوردار است.

جدول (۲): توزیع نسبی عوامل مؤثر بر حاکمیت مطلوب مالیاتی:

جمع	ضریب اهمیت					گویه
	۹	۷	۵	۳	۱	
۱۰۰	۷۰.۳	۲۱.۶	۰	۵.۴	۲.۷	شفافیت
۱۰۰	۴۵.۹	۳۵.۱	۱۳.۵	۵.۴	۰	پاسخگویی
۱۰۰	۳۷.۸	۳۲.۴	۱۶.۲	۵.۴	۸.۱	ثبات سیاسی
۱۰۰	۴۸.۶	۲۹.۷	۱۰.۸	۸.۱	۲.۷	کارایی و اثربخشی دولت
۱۰۰	۶۴.۹	۲۷	۵.۴	۰	۲.۷	کیفیت قوانین و مقررات
۱۰۰	۵۶.۸	۲۷	۱۳.۵	۰	۲.۷	حاکمیت قانون
۱۰۰	۵۴.۱	۲۴.۳	۱۶.۲	۵.۴	۰	کنترل فساد
۱۰۰	۲۹.۷	۲۴.۳	۲۴.۳	۱۳.۵	۸.۱	مشارکت‌پذیری
۱۰۰	۱۶.۲	۲۹.۷	۲۴.۳	۱۸.۹	۱۰.۸	انعطاف‌پذیری
۱۰۰	۴۸.۶	۲۷	۲۱.۶	۲.۷	۰	عدالت و بی‌طرفی
۱۰۰	۴۰.۵	۲۷	۱۸.۹	۵.۴	۸.۱	رفتار اخلاقی و حرفه‌ای
۱۰۰	۲۱.۶	۴۵.۹	۲۷	۵.۴	۰	تشخیص ریسک‌های مالیاتی
۱۰۰	۴۸.۶	۲۹.۷	۱۶.۲	۲.۷	۲.۷	کاهش شکاف مالیاتی
۱۰۰	۴۸.۶	۲۹.۷	۱۸.۹	۰	۲.۷	کاهش فرار مالیاتی
۱۰۰	۳۵.۱	۳۵.۱	۱۳.۵	۸.۱	۸.۱	مسئولیت‌پذیری
۱۰۰	۲۷	۲۱.۶	۳۲.۴	۱۶.۲	۲.۷	اجماع محوری
۱۰۰	۲۱.۶	۳۵.۱	۲۹.۷	۵.۴	۸.۱	جامعیت
۱۰۰	۳۲.۴	۳۲.۴	۱۸.۹	۸.۱	۸.۱	استقلال
۱۰۰	۴۰.۵	۱۶.۲	۲۷	۵.۴	۱۰.۸	مشروعیت
۱۰۰	۴۸.۶	۱۸.۹	۲۴.۳	۲.۷	۵.۴	ارتقای کارایی، رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی و انسانی

بررسی عوامل مؤثر بر حاکمیت مطلوب مالیاتی

به منظور سنجش عوامل مؤثر بر حاکمیت مطلوب مالیاتی، از آزمون تی تک نمونه ای استفاده شده است که نتایج حاصل از آن به شرح جدول شماره (۳) می‌باشد.

نتایج حاصل از آزمون تی تک نمونه در خصوص ۲۰ شاخص مؤثر بر حاکمیت مالیاتی حاکی از این است که بجز «شاخص انعطاف‌پذیری» سایر شاخص‌ها از عوامل مؤثر بر حاکمیت مطلوب مالیاتی هستند. چرا که در کلیه شاخص‌ها، میانگین بدست آمده بزرگتر از متوسط مفروض «۵» شده است و این تفاوت به لحاظ آماری معنادار است.

نتایج حاصل از توزیع نسبی شاخص‌ها، جدول فوق حاکی از این است که «شفافیت و کیفیت قوانین» دارای بیشترین تأثیر و در مقابل شاخص‌های «انعطاف‌پذیری، اجماع محوری» دارای کمترین تأثیر بر حاکمیت مالیاتی بوده‌اند.

۵-۳- یافته‌های استنباطی

در این بخش و با در نظر گرفتن ملاحظات آماری لازم، ابتدا به کمک «آزمون تی تک نمونه» به بررسی تأثیر هر یک از عوامل مؤثر بر حاکمیت مطلوب مالیاتی پرداخته شده است و در ادامه به کمک «آزمون فریدمن» به مقایسه و اولویت بندی این شاخص‌ها پرداخته شده است.

لازم به ذکر است دامنه تغییرات اهمیت هر یک از شاخص‌ها بین ۱ تا ۹ می‌باشد که متوسط آن عدد ۵ می‌شود، لذا به منظور بررسی اثربخشی هر یک از شاخص‌ها به مقایسه میانگین آنها با متوسط مفروض ۵ پرداخته شده است، در ادامه و به منظور اولویت بندی شاخص‌های مؤثر بر حاکمیت مالیاتی از آزمون فریدمن استفاده شده است.

جدول (۳): بررسی عوامل مؤثر بر حاکمیت مطلوب مالیاتی:

متغیر	شاخص‌ها	میانگین (۹-۱)	انحراف استاندارد	میانگین مورد انتظار	T	درجه آزادی (df)	سطح معنی داری (sig)
حاکمیت مطلوب مالیاتی	شفافیت	۸/۰۳	۱/۹۲	۵	۹/۵۸۰	۳۶	۰/۰۰۱
	پاسخگویی	۷/۴۳	۱/۷۷	۵	۸/۳۸۴	۳۶	۰/۰۰۱
	ثبات سیاسی	۶/۷۳	۲/۴۵	۵	۴/۲۸۳	۳۶	۰/۰۰۱
	کارایی و اثربخشی دولت	۷/۲۷	۲/۱۶	۵	۶/۳۶۸	۳۶	۰/۰۰۱
	کیفیت قوانین و مقررات	۸/۰۳	۱/۶۷	۵	۱۰/۹۹۴	۳۶	۰/۰۰۱
	حاکمیت قانون	۷/۷۰	۱/۸۳	۵	۸/۹۴۰	۳۶	۰/۰۰۱
	کنترل فساد	۷/۵۴	۱/۶۸	۵	۸/۲۸۷	۳۶	۰/۰۰۱
	مشارکت‌پذیری	۶/۰۸	۲/۵۶	۵	۲/۵۶۴	۳۶	۰/۰۱۵
	انعطاف‌پذیری	۵/۴۳	۲/۵۰	۵	۱/۰۵۲	۳۶	۰/۳۰۰
	عدالت و بی‌طرفی	۷/۴۳	۱/۷۷	۵	۸/۳۴۸	۳۶	۰/۰۰۱
	رفتار اخلاقی و حرفه‌ای	۶/۷۳	۲/۵۰	۵	۴/۲۰۶	۳۶	۰/۰۰۱
	تشخیص ریسک‌های مالیاتی	۶/۶۸	۱/۶۶	۵	۶/۱۱۲	۳۶	۰/۰۰۱
	کاهش شکاف مالیاتی	۷/۳۸	۱/۹۹	۵	۷/۲۶۵	۳۶	۰/۰۰۱
	کاهش فرار مالیاتی	۷/۴۳	۱/۸۹	۵	۷/۸۱۴	۳۶	۰/۰۰۱
	مسئولیت‌پذیری	۶/۶۲	۲/۴۸	۵	۳/۹۶۶	۳۶	۰/۰۰۱
	اجماع محوری	۶/۰۸	۲/۲۹	۵	۲/۸۷۲	۳۶	۰/۰۰۷
	جامعیت	۶/۱۴	۲/۲۸	۵	۳/۰۱۹	۳۶	۰/۰۰۵
	استقلال	۶/۴۶	۲/۴۷	۵	۳/۵۸۱	۳۶	۰/۰۰۱
	مشروعیت	۶/۴۱	۲/۷۰	۵	۳/۱۶۳	۳۶	۰/۰۰۳
		ارتقای کارایی، رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی و انسانی	۷/۰۵	۲/۳۳	۵	۵/۳۵۶	۳۶

۴-۵- مقایسه عوامل مؤثر بر حاکمیت مطلوب مالیاتی

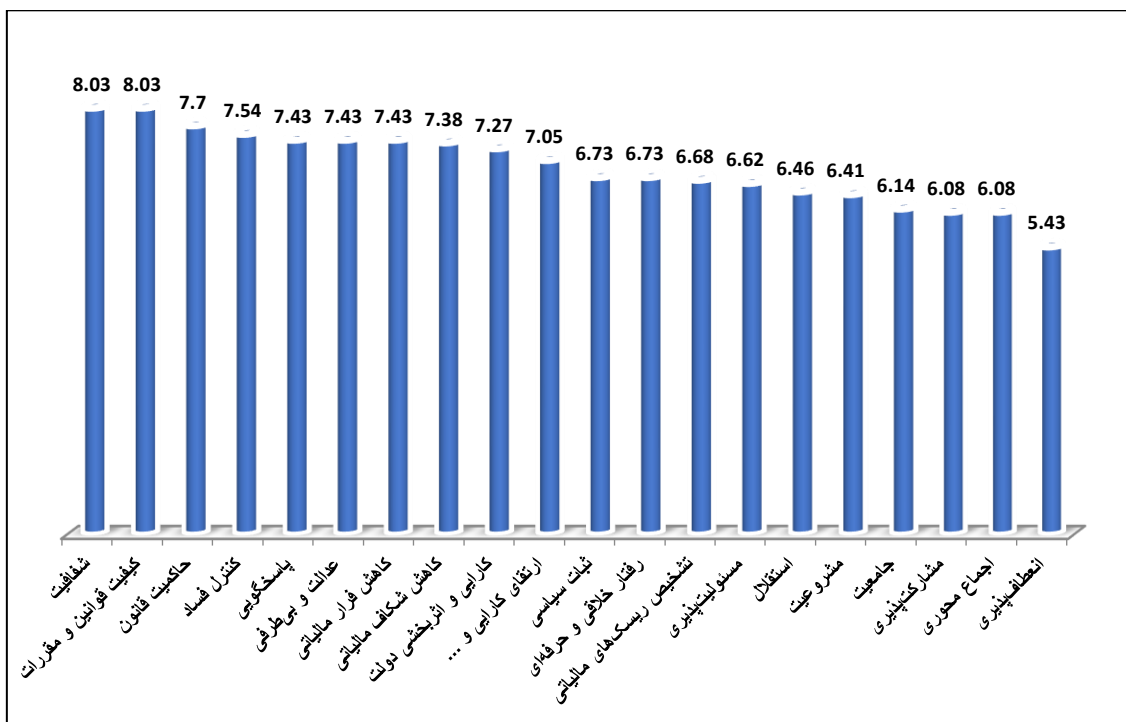
نتایج حاصل از آزمون فریدمن به منظور مقایسه و اولویت بندی عوامل مؤثر بر حاکمیت مطلوب مالیاتی به شرح جدول شماره (۴) می‌باشد.

نتایج حاصل از آزمون فریدمن در رابطه با مقایسه شاخص‌های مؤثر بر حاکمیت مالیاتی حاکی از این است که در سطح خطای کمتر از ۱ درصد و با ۹۹ درصد اطمینان بین اهمیت این شاخص‌ها تفاوت معناداری وجود دارد، به طوری که شاخص‌های «شفافیت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون، کنترل فساد و پاسخگویی» دارای بیشترین تأثیر و در مقابل شاخص‌های «انعطاف‌پذیری، اجماع محوری، مشارکت‌پذیری،

جامعیت و مشروعیت» دارای کمترین تأثیر بر حاکمیت مالیاتی بوده‌اند.

جدول (۴) : مقایسه عوامل تأثیرگذار بر حاکمیت مطلوب مالیاتی

P	df	مقدار χ^2	اولویت	میانگین	عوامل	حوزه
۰.۰۰۱	۱۹	۱۲۱.۹۰۴	۱	۸/۰۳	شفافیت	حاکمیت مطلوب مالیاتی
			۵	۷/۴۳	پاسخگویی	
			۱۱	۶/۷۳	ثبات سیاسی	
			۹	۷/۲۷	کارایی و اثربخشی دولت	
			۲	۸/۰۳	کیفیت قوانین و مقررات	
			۳	۷/۷۰	حاکمیت قانون	
			۴	۷/۵۴	کنترل فساد	
			۱۸	۶/۰۸	مشارکت پذیری	
			۲۰	۵/۴۳	انعطاف پذیری	
			۶	۷/۴۳	عدالت و بی طرفی	
			۱۲	۶/۷۳	رفتار خلاق و حرفه‌ای	
			۱۳	۶/۶۸	تشخیص ریسک‌های مالیاتی	
			۸	۷/۳۸	کاهش شکاف مالیاتی	
			۷	۷/۴۳	کاهش فرار مالیاتی	
			۱۴	۶/۶۲	مسئولیت پذیری	
			۱۹	۶/۰۸	اجماع محوری	
			۱۷	۶/۱۴	جامعیت	
			۱۵	۴/۴۶	استقلال	
۱۶	۶/۴۱	مشروعیت				
			۱۰	۷/۰۵	ارتقای کارایی، رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی و انسانی	



نمودار شاخص‌های تأثیرگذار بر حاکمیت مطلوب مالیاتی

۶- نتیجه گیری

اگر مالیات را یک هزینه اجتماعی بدانیم که شهروندان (مودیان مالیاتی) پرداخت می کنند تا دولت بتواند وظایف مندرج در قانون اساسی اعم از برقراری رفاه اجتماعی، آموزش رایگان، سلامت عمومی، امنیت اجتماعی و حراست از مرزها را انجام دهد، وفق حقوق مالیاتی، این حق هم برای پرداخت کنندگان مالیات محفوظ است تا از دولت سوال کنند که منابع مالیاتی کجا و چطور خرج شده است. سال هاست که مالیات سرلوحه برنامه های اقتصادی دولت ها بوده و اقتصاد دانان و در راس آن، مسئولین نظام مالیاتی می کوشند با شفاف سازی و تبیین نقش مالیات در گرداندن چرخ اقتصادی کشور، راهکارهایی را که موجب افزایش اعتماد عمومی، معرفی مصادیق عینی مصرف مالیات است، به دیگر سخن خودباوری و اعتقاد مودیان به پرداخت مالیات هنگامی به منصفه ظهور می رسد که آنان بتوانند آثار آن را بطور ملموس مشاهده نمایند. مسلم است نهادینه شدن چنین باور و اعتقادی در اذهان و افکار مودیان موجب می گردد که آنان برداشت های اشتباه پیشین خود را نسبت به مالیات کنار گذاشته و مالیات را به عنوان یک تکلیف تلقی نمایند. لذا باید با اتخاذ روش های مناسب، به گونه ای عمل شود تا هرچه بیشتر، مودیان به پرداخت داوطلبانه مالیات ترغیب گردند. برای این منظور نیازمند یک سیستم مالیاتی مناسب هستیم. شناسایی عوامل موثر بر حاکمیت مالیاتی مطلوب به دولت ها این امکان را می دهد که ضمن برقراری سیستم مالیات ستانی مناسب، پاسخگویی مناسبی در این زمینه صورت انجام دهند. استفاده از معیارهای موثر بر حکمرانی مالیاتی خوب می تواند بر نحوه تعامل دولتها و سایر سازمان ها اجتماعی، نحوه ارتباط آنها با شهروندان و نحوه اتخاذ تصمیمات اثر گذار باشد.

پذیرش عمومی حکومت و حاکمان از سوی شهروندان بر پایه معیارهایی همچون قانونی بودن و تصمیم گیری حاکمان، خشنودی شهروندان و کارآمدی حکومت است. حکومت، شهروندان و جامعه مدنی در برابر تصمیم ها و رفتارهای خود پاسخگو بوده و گردش آزاد اطلاعات با شفافیت در تصمیم گیری ها وجود داشته باشد. مشارکت آزاد برای همه گروه های سیاسی، اجتماعی و انجمن های دینی وجود داشته و جامعه به سمت و سوی مدیریت کارآمد در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی حرکت کند. حاکمیت قانون حکمفرما بوده و حتی المقدور نابرابری ها و فساد در جامعه ریشه کن شود. نظارت بصورت منطقی و دو سویه از جانب جامعه و دولت صورت پذیرد؛ و اصل تفکیک قوا، بی طرفی دولت و وجود رسانه های مستقل بدرستی پیاده سازی شود. قوانین وضع شده باید صریح و واضح و بصورت عمومی تبیین و اعلام شود؛ همچنین قوانین اعلامی

ناظر به آینده بوده و قابلیت پیاده سازی و پیروی شدن داشته باشند. دولت با نهادسازی مناسب توسعه را بسمت جلو هدایت کند و با تدوین و اجرای سیاست های صحیح کارآیی و اثربخش را افزایش دهد. تصمیمات حکومت با توجه به منافع دراز مدت مردم و با مشورت کردن با موافین و مخالفین اتخاذ شود. همچنین دولت با توانمندسازی اقشار آسیب پذیر و توزیع امکانات بر اساس شایستگی عدالت و انصاف را برقرار نماید. تدوین و اجرای قوانین و مقررات با کیفیت با حذف اشکالاتی چون صدور مجوزها، موافقت نامه های دولتی دست و پا گیر، محدودیت های تجاری، بار مالیاتی بالا و هزینه های اولیه بالا برای سرمایه گذاری می تواند بر عملکرد اقتصادی جوامع تاثیرگذار باشد همچنین با کنترل فساد تا حدودی فرار مالیاتی را کاهش داده و موجبات بالا بردن درآمدهای مالیاتی به روشی کارآمد و معتدل را فراهم نماید.

با مطالعه پیشینه پژوهش و با استناد به مولفه هایی که دانشمندان و سازمان های بین المللی برای تعریف شاخص های حکمرانی مطلوب مالیاتی ارائه نمودند، و با کمک خبرگان مالیاتی (رییس گروه مالیاتی، رییس امور مالیاتی، معاون اداره و مدیرکل اداره امور مالیاتی) شاخص های موثر حاکمیت مالیاتی در ایران را شناسایی و در قالب پرسش نامه ای مدون که پایایی و روایی آن مورد تأیید قرار گرفته، تأثیر هر یک از عوامل موثر بر حاکمیت مطلوب مالیاتی پرداخته شده و مقایسه و اولویت بندی عوامل موثر بر حاکمیت مطلوب مالیاتی تشریح شده است. در این پژوهش محقق از ضریب آلفای کرونباخ برای بررسی قابلیت اعتماد ابزار سنجش استفاده کرده است. که میزان آلفای کرونباخ بدست آمده ۰/۹۳۹ بوده که این موضوع نشان دهنده همبستگی درونی مناسب بین متغیرها جهت سنجش مفاهیم مورد نظر است. بنابراین ابزار سنجش پژوهش از قابلیت اعتماد و یا پایایی لازم برخوردار است. سپس از جدول توزیع نسبی برای بررسی عوامل موثر بر حاکمیت مطلوب مالیاتی استفاده گردید. که مولفه های «شفافیت و کیفیت قوانین» دارای بیشترین تأثیر و در مقابل شاخص های «انعطاف پذیری و اجماع محوری» دارای کمترین تأثیر بر حاکمیت مالیاتی را نشان می دهند. بمنظور سنجش عوامل موثر بر حاکمیت مطلوب مالیاتی از آزمون «تی تک نمونه ای» استفاده گردید. که نتایج آزمون در خصوص ۲۰ شاخص موثر بر حاکمیت مالیاتی مطلوب نشان داد که به جزء شاخص «انعطاف پذیری» سایر شاخص ها از عوامل موثر بر حاکمیت مالیاتی مطلوب هستند. چرا که در کلیه شاخص ها میانگین بدست آمده بزرگتر متوسط مفروض «۵» می باشد، با توجه به این که دامنه تغییرات اهمیت هر یک از شاخص ها بین ۱ تا ۹ بوده و متوسط آن عدد ۵ می باشد. لذا بمنظور اولویت

۷-پیشنهادهاد

- ۱) پیشنهاد می شود حتی المقدور شفافیت و سادگی قوانین جهت درک و پذیرش پرداخت کنندگان مالیات در نظر گرفته شود.
- ۲) پیشنهاد می شود تنظیم قوانین و مقررات با تمرکز بر سیاست های ناسازگار و با نظارت کافی انجام شود.
- ۳) پیشنهاد می شود قوانین به گونه ای اتخاذ گردد که در صورت تغییر رهبران، دولتمردان و احزاب سیاسی مختلف قوانین وضع شده تداوم داشته باشند.
- ۴) پیشنهاد می شود تدابیری جهت کنترل فساد برای شناسایی هر گونه سوء استفاده از قدرت و امکانات عمومی در جهت منافع شخصی در نظر گرفته شود.
- ۵) تمهیداتی در نظر گرفته شود که سیاست مداران، دولتمردان و شهروندان، نهادها و ارگان هایی که با هدف وضع، اجرای قانون و حل اختلاف تاسیس شده اند مورد احترام قرار گیرند.
- ۶) پیشنهاد می شود نهادها و سازمان های مرتبط در تصمیم گیری ها دارای استقلال بوده و بین قدرت، پاسخگویی و مسولیت توازن برقرار شود. و نهادها و فرآیندها به تمام ذینفعان خدمات ارائه نمایند.
- ۷) تمهیداتی در نظر گرفته شود که حتی المقدور پتانسیل فرار و اجتناب از پرداخت مالیات به حداقل برسد.
- ۸) حتی المقدور منافع اشخاص و گروه های گوناگون تعدیل شده و مناسب ترین سیاست ها و رویه ها برای رسیدن به اجماع در خصوص بهترین منفعت ممکن ارائه شود.
- ۹) منافع و خواسته های همه افراد و گروه ها چه بصورت مستقیم و چه از طریق نهادهایی که خواسته آن ها را مدیریت می کنند در نظر گرفته شود.
- ۱۰) تمهیداتی در نظر گرفته شود تا بهترین استفاده از منابع در جهت رفع نیازها توسط فرآیند ها و نهادها صورت گیرد.
- ۱۱) چارچوب های حقوقی می بایست عادلانه و بدون تبعیض اجرا گردند و تمامی افراد جامعه از فرصت بهبود و حفظ رفاه برخوردار باشند.
- ۱۲) حذف و تعدیل قوانین و مقررات اختلال زا و تدوین قوانین و مقررات مطلوب و کارآمد.
- ۱۳) تلاش برای استقرار سیستم های مالیاتی منصفانه تر، کارآمدتر و ساده تر جهت کاهش شکاف مالیاتی.
- ۱۴) تمهیداتی اخذ شود که با مشخص نمودن مطالبه طبقه اقشار جامعه برای اخذ مالیات، میزان مالیات، طریقه اخذ مالیات، نحوه محاسبه مالیات، نحوه تشخیص

بندی شاخص های موثر بر حاکمیت مالیاتی از آزمون فریدمن استفاده شده است. که نتایج آن در سطح خطای کمتر از یک درصد و با اطمینان ۹۹ درصد بین اهمیت این شاخص ها تفاوت معناداری وجود دارد. بطوری که ترتیب شاخص ها از بیشترین به کمترین تاثیرگذاری بر حاکمیت مالیاتی بصورت ذیل مشخص گردید «شفافیت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون، کنترل فساد، پاسخگویی، عدالت و بی طرفی، کاهش فرار مالیاتی، کاهش شکاف مالیاتی، کارایی و اثربخشی دولت، ارتقای کارایی، ثبات سیاسی، رفتار خلاق و حرفه ای، تشخیص ریسک های مالیاتی، مسولیت پذیری، استقلال، مشروعیت، جامعیت، مشارکت پذیری، اجماع محوری و انعطاف پذیری». با توجه به نتایج حاصل از پژوهش می توان بیان کرد که در نظر گرفتن معیارهای موثر بر حکمرانی مالیاتی می تواند به عنوان یک الگوی جدید توسعه دولت به عنوان یکی از ارکان سه گانه با مشارکت بخش خصوصی و مدنی به فعالیت های خود در خصوص دستیابی به توسعه پایدار بپردازد. هرچقدر دولت ها پاسخگوتر و کارآمدتر باشند، ثبات سیاسی بیشتر، حاکمیت قانون گسترده تر و فساد محدودتر شود، حکمرانی خوب برقرار می شود. هانس گریبنائو و اوه گیدی جلائی در سال (۲۰۱۹)، شفافیت، اخلاق حرفه ای و پاسخگویی را در رابطه با رفتار مالیاتی موثر دانسته اند. در تحقیق حاضر شفافیت بیشترین تاثیرگذاری بر حاکمیت مالیاتی در ایران را داشته و شاخص های پاسخگویی و اخلاق حرفه ای نیز در زمره شاخص های تاثیرگذار بر حاکمیت مالیاتی مشخص شده اند. بنابراین ادعای قرابت و نزدیکی دو پژوهش ذکر شده قابل پذیرش است. همچنین نتایج این تحقیق تا حدودی با نتایج تحقیق لیان اوتس و پنلوپه تاکت در سال (۲۰۱۹) در تضاد است، چرا که در این تحقیق مشخص گردید که شفافیت بیشترین تاثیرگذاری بر حاکمیت مالیاتی را داراست، ولی تاکت و همکاران معتقدند که افشای بیشتر بطور موثر نمی تواند نگرانی های مربوط به اجتناب مالیاتی را برطرف کند. می توان ادعا کرد نتایج این تحقیق با نتایج پژوهش هاربی و همکاران در سال (۲۰۱۹)، در زمینه ریسک های مالیاتی، قوانین و مقررات، مسولیت پذیری همخوانی دارد. در نهایت با بررسی تحقیقات الهیاری و پوزمانی در سال (۱۳۹۷)، گرمسیری و همکاران در سال (۱۳۹۶) و حساس یگانه و همکاران در سال (۱۳۹۶)، می توان نتیجه گرفت که مسولیت اجتماعی، مسولیت پذیری، اثربخشی و کارایی رابطه تنانگ و تاثیرگذاری با جلوگیری از اجتناب و فرار مالیاتی دارند؛ که در تحقیق حاضر تاثیرگذاری شاخص های ذکر شده با حاکمیت مطلوب مالیاتی در ایران محرز گردید.

اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، سال دهم، شماره سی و پنجم.

* عیوضی، محمدرحیم و مرزبان، نازنین و صالحی، معصومه (۱۳۹۶)، از بررسی حکمرانی خوب تا الگوی حکمرانی پایدار، فصلنامه راهبرد، شماره ۸۵.

* محمودی، امیر و آرش پور، علیرضا (۱۳۹۶)، حکمرانی مطلوب، ساز و کار ایجاد توانمندی در تحقق توسعه، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی، شماره ۴.

* نقیبهی مفرد، حسام (۱۳۹۶)، حکمرانی مطلوب در پرتو جهانی شدن حقوق بشر، چاپ دوم، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی.

* Lyune Oats and Penelope Tuck (2019) "Corporate Tax Avoidance: Is tax transparency the solution?", Accounting and Business Research, No.5, Vol.49.

* Hans, Gribnau and AVE-Geidi Jallai (2019) Sustainable tax governance and transparency, Tilburg Law School Research Paper.

* Hans, Gribnau and Ave-Geidi, Jallai (2017), Good Tax Governance: A Matter of Moral Responsibility and Transparency

* Harby.m (2019). Developing a tax strategy governance and risk framework. Journal of contemporary tax & Economics. 20.235-266.

* HJI Panayi, Christiana (2018), Globalisation of tax good governance, Singapore Management University School of Accountancy, Research paper No.2018-S-74, Vol.6.

* Majdanska, Alicia (2017), How to effectively promote tax good governance in third countries: A missing touch-stone on the EU Agenda.

* Stevness. (2015). Transparency and taxation. Journal of contemporary business & Economics. 20.23-65.

مالیات و نحوه وصول مالیات، حتی المقدور ریسک های مالیاتی شناسایی شوند.

(۱۵) پیشنهاد می شود سیستم های مالیاتی انعطاف پذیر باشند تا پیشرفت آن ها با پیشرفت تکنولوژی همگام باشد.

فهرست منابع

* الهیاری، عباس و پورزمانی، زهرا و ترابی، تقی (۱۳۹۷)،

اثر بخشی ابعاد حاکمیت شرکتی بر رابطه مسئولیت اجتماعی و عدالت مالیاتی، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، سال یازدهم، شماره سی و هشتم.

* حجازی، مریم، طالبی، رضوان و شمسی، راضیه (۱۳۹۵)،

بررسی رابطه بین مکانیزم های حاکمیت شرکتی و نرخ موثر مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، چهارمین کنفرانس بین المللی مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی.

* حساس یگانه، یحیی و شعری، صابر (۱۳۹۶)، رابطه ساز و

کار حاکمیت شرکتی، نسبت بدهی ها، اندازه شرکت با مدیریت سود، فصل نامه تجربی حسابداری مالی، دوره ۶، شماره ۲۴.

* حشمت زاده، محمدباقر و حاجی یوسفی، امیرمحمد و

طالبی، محمدعلی (۱۳۹۶)، بررسی موانع تحقق حکمرانی خوب در فرهنگ سیاسی ایران، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هشتم، شماره اول.

* دباغ، سروش و نفری، ندا (۱۳۸۸)، تبیین مفهوم خوبی در

حکمرانی خوب، نشریه مدیریت دولتی، دوره ۱، شماره ۳.

* دوانی، غلامحسین (۱۳۹۸)، حکمرانی مودیان در مالیات

ستانی، روزنامه شهروند، شماره ۱۳۵۱.

* دوانی، غلامحسین (۱۳۹۷)، حسابداری رکن مغفول

حکمرانی خوب، روزنامه تعادل، شماره ۵۴۷.

* دوانی، غلامحسین (۱۳۹۶)، حاکمیت مالیاتی یا حکمرانی

مودیان، روزنامه شرق، شماره ۳۰۸۴.

* شهرآرا، محسن و معینی فرد، مژگان و مهربانی،

وحید (۱۳۹۷)، عوامل موثر بر ظرفیت مالیاتی در کشورهای منطقه منا با تاکید بر حکمرانی خوب، فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد اقتصادی، شماره ۱۵.

* گرمسیری، صدیقه و وکیلی فرد، امیررضا و طالب نیا، قدرت

الله (۱۳۹۶)، بررسی اثر کیفیت گزارشگری مسئولیت اجتماعی شرکت ها، ویژگی های حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی بر شهرت اجتماعی شرکت های پذیرفته شده در بورس



Accounting Knowledge & Management Auditing
Vol. 11/ No. 44/ Winter 2023

Factors Affecting Good Tax Governance in Iran

Ebrahim Mirzaee

Department of Accounting, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran
ebrahim.mirzie@gmail.com

Gholamreza Farsad Aman Elahi

Department of Accounting, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran
(Corresponding author)
g.f1966@yahoo.com

Abstract

Tax sovereignty is the fundamental structure of all governments. Good tax governance can lead to a good taxation system. Through the development of tax justice and fairness, proper tax leadership contributes to the increasing trust and, in turn, taxes collected timely can better provide economic developments. The current study aims to identify factors affecting good tax governance in Iran. Questionnaires were used for collecting research data. To measure research items, a total of 37 questionnaires were received from experts. The comparison of mean test was used to examine respondents' insights, while the Friedman test was applied for ranking indicators affecting the good tax governance. The analytical findings revealed that , transparency, accountability, political stability, government efficiency and effectiveness, quality of laws and regulations, rule of law, control of corruption, participation, justice and impartiality, ethical and professional behavior, tax risk assessment reducing the tax gap, tackling tax evasion, accountability, consensus orientation, comprehensiveness, independence, legitimacy, performance enhancement, economic growth, and social and human development affect tax sovereignty.

Keywords: Good tax governance, Tax sovereignty, Proper tax governance